

## فهرست مطالب

۱	کتاب اول کلیات
۲	بخش اول مواد عمومی
۲	فصل اول - تعاریف
۱۰	فصل دوم - قلمرو اجرای قوانین جزائی در مکان
۲۰	فصل سوم - قلمرو اجرای قوانین جزائی در زمان
۲۷	فصل چهارم - قانونی بودن جرائم، مجازاتها و دادرسی کیفری
۲۸	بخش دوم مجازاتها
۲۸	فصل اول - مجازاتهای اصلی
۴۲	فصل دوم - مجازاتهای تکمیلی و تبعی
۵۲	فصل سوم - نحوه تعیین و اعمال مجازاتها
۵۹	فصل چهارم - تخفیف مجازات و معافیت از آن
۶۷	فصل پنجم - تعویق صدور حکم
۷۳	فصل ششم - تعلیق اجرای مجازات
۸۵	فصل هفتم - نظام نیمه آزادی
۹۰	فصل هشتم - نظام آزادی مشروط
۱۰۱	فصل نهم - مجازاتهای جایگزین حبس
۱۱۴	فصل دهم - مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان
۱۲۴	فصل یازدهم - سقوط مجازات
۱۴۹	بخش سوم جرائم
۱۴۹	فصل اول - شروع به جرم
۱۵۴	فصل دوم - شرکت در جرم
۱۵۹	فصل سوم - معاونت در جرم
۱۶۶	فصل چهارم - سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته
۱۶۸	فصل پنجم - تعدد جرم
۱۷۷	فصل ششم - تکرار جرم
۱۸۲	بخش چهارم شرایط و موانع مسؤولیت کیفری
۱۸۲	فصل اول - شرایط مسؤولیت کیفری
۱۸۹	فصل دوم - موانع مسؤولیت کیفری
۲۱۸	بخش پنجم ادله اثبات در امور کیفری
۲۱۸	فصل اول - مواد عمومی
۲۲۰	فصل دوم - اقرار
۲۲۴	فصل سوم - شهادت

۲۳۱.....	فصل چهارم - سوگند.....
۲۳۳.....	فصل پنجم - علم قاضی.....
۲۳۴.....	بخش ششم - مسائل متفرقه.....
۲۳۹.....	<b>کتاب دوم حدود.....</b>
۲۴۰.....	<b>بخش اول: مواد عمومی.....</b>
۲۴۳.....	<b>بخش دوم: جرائم موجب حد.....</b>
۲۴۳.....	فصل اول - زنا.....
۲۵۱.....	فصل دوم- لواط، تفریض و مساحفه.....
۲۵۴.....	فصل سوم - قوادی.....
۲۵۵.....	فصل چهارم - قذف.....
۲۶۴.....	فصل پنجم- سب نبی.....
۲۶۶.....	فصل ششم- مصرف مسکر.....
۲۶۸.....	فصل هفتم- سرقت.....
۲۸۵.....	فصل هشتم- محاربه.....
۲۹۳.....	فصل نهم- بغی و افساد فی الارض.....
۲۹۸.....	<b>کتاب سوم قصاص.....</b>
۲۹۹.....	<b>بخش اول: مواد عمومی.....</b>
۲۹۹.....	فصل اول- اقسام و تعاریف جنایات.....
۳۱۲.....	فصل دوم- تداخل جنایات.....
۳۱۶.....	فصل سوم- شرایط عمومی قصاص.....
۳۲۸.....	فصل چهارم- راههای اثبات جنایت.....
۳۳۸.....	فصل پنجم- صاحب حق قصاص.....
۳۵۱.....	فصل ششم- شرکت در جنایت.....
۳۵۸.....	فصل هفتم- اکراه در جنایت.....
۳۶۲.....	<b>بخش دوم: قصاص نفس.....</b>
۳۶۴.....	<b>بخش سوم: قصاص عضو.....</b>
۳۶۴.....	فصل اول- موجب قصاص عضو.....
۳۶۹.....	فصل دوم- شرایط قصاص عضو.....
۳۷۵.....	<b>بخش چهارم: اجرای قصاص.....</b>
۳۷۵.....	فصل اول- مواد عمومی.....
۳۸۶.....	فصل دوم- اجرای قصاص نفس.....
۳۸۹.....	فصل سوم- اجرای قصاص عضو.....
۳۹۴.....	<b>کتاب چهارم دیات.....</b>

۳۹۵.....	<b>بخش اول: مواد عمومی</b>
۳۹۵.....	فصل اول - تعریف دیه و موارد آن
۳۹۹.....	فصل دوم - ضمان دیه
۴۰۱.....	فصل سوم - راه‌های اثبات دیه
۴۱۷.....	فصل پنجم - مهلت پرداخت دیه
۴۱۹.....	فصل ششم - موجبات ضمان
۴۳۵.....	فصل هفتم - تداخل و تعدد دیات
۴۳۹.....	<b>بخش دوم: مقادیر دیه</b>
۴۳۹.....	فصل اول - دیه نفس
۴۴۴.....	فصل دوم - قواعد عمومی دیه اعضاء
۴۴۸.....	فصل سوم - دیه مقدر اعضاء
۴۶۰.....	فصل چهارم - قواعد عمومی دیه منافع
۴۶۲.....	فصل پنجم - دیه مقرر منافع
۴۶۴.....	<b>مبحث ششم - دیه صوت و گویایی</b>
۴۶۵.....	فصل ششم - دیه جراحات
۴۶۷.....	فصل هفتم - دیه جنین
۴۷۱.....	<b>کتاب پنجم: قانون تعزیرات ۱۳۷۵</b>
۴۷۲.....	فصل اول - در جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور
۴۹۰.....	فصل دوم - اهانت به مقدسات مذهبی و سوء قصد به مقامات داخلی
۴۹۳.....	فصل سوم - در سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی
۴۹۶.....	فصل چهارم - در تهیه و ترویج سکه قلب
۵۰۰.....	فصل پنجم - جعل و تزویر
۵۲۰.....	فصل ششم - در محو یا شکستن مهر و پلمب و سرقت نوشته‌ها از اماکن عمومی
۵۲۳.....	فصل هفتم - در فرار محبوسین قانونی و اخفای مقصرین
۵۲۸.....	فصل هشتم - غصب عناوین و مشاغل
۵۳۱.....	فصل نهم - در تخریب اموال تاریخی، فرهنگی
۵۳۶.....	فصل دهم - در تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی
۵۵۴.....	فصل یازدهم - ارتشاء و ربا و کلاهبرداری
۵۶۱.....	فصل دوازدهم - امتناع از انجام وظایف قانونی
۵۶۲.....	فصل سیزدهم - تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت
۵۷۱.....	فصل چهاردهم - تمرد نسبت به مأمورین دولت
۵۷۲.....	فصل پانزدهم - هتک حرمت اشخاص
۵۷۹.....	فصل شانزدهم - اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایم

۵۸۶.....	فصل هفدهم - جرایم علیه اشخاص و اطفال.....
۶۰۹.....	فصل هجدهم - جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی.....
۶۱۶.....	فصل نوزدهم - جرایم بر ضد حقوق تکالیف خانوادگی.....
۶۲۸.....	فصل بیستم - قسم و شهادت دروغ و افشاء سر.....
۶۳۳.....	فصل بیست و یکم - سرقت و ربودن مال غیر.....
۶۴۶.....	فصل بیست و دوم - تهدید و اکراه.....
۶۵۲.....	فصل بیست و سوم - ورشکستگی.....
۶۵۵.....	فصل بیست و چهارم - خیانت در امانت.....
۶۶۸.....	فصل بیست و پنجم - احراق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات.....
۶۸۱.....	فصل بیست و ششم - در هتک حرمت منازل و املاک غیر.....
۶۹۰.....	فصل بیست و هفتم - در افتراء و توهین و هتک حرمت.....
۷۰۱.....	فصل بیست و هشتم - تجاهر به استعمال مشروبات الکلی و قماربازی و ولگردی.....
۷۱۰.....	فصل بیست و نهم - در جرایم ناشی از تخلفات رانندگی.....
۷۲۰.....	قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷.....
۷۵۲.....	قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸.....
۷۵۸.....	قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ (مواد جزایی).....
۷۶۴.....	قانون جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸.....
۷۹۶.....	قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸.....
۸۰۰.....	قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ همراه با.....
۸۰۰.....	قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷.....
۸۰۹.....	قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵.....
۸۱۵.....	لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷.....
۸۲۱.....	قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ به همراه اصلاحات بعدی.....
۸۲۱.....	و قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷.....
۸۳۱.....	قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ (مواد جزایی).....
۸۳۳.....	قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ (مواد جزایی).....
۸۳۸.....	قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اصلاحی ۱۳۹۴ (مواد جزایی).....
۸۴۶.....	قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶.....
۸۴۹.....	قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۳ (مواد جزایی).....
۸۵۱.....	قانون مجازات اخلاکگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹.....
۸۵۳.....	فهرست منابع اصلی و ارشادی.....

## بخش اول مواد عمومی

### فصل اول - تعاریف

**ماده ۱- قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرائم و مجازاتهای حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسؤولیت کیفری و قواعد حاکم بر آنها است.**

۱- حقوق کیفری را می توان در یک دسته بندی کلی به دو شاخه ماهوی (حقوق جزا) و شکلی (آیین دادرسی کیفری) تقسیم نمود، شاخه نخست که از آن تحت عنوان "حقوق جزا" یاد می شود، حول سه محور ۱- جرایم، ۲- مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی و ۳- مسؤولیت کیفری اشخاص می چرخد، اما شاخه دیگر یعنی آیین دادرسی کیفری، به بررسی روند رسیدگی به جرایم در مراجع صالح از لحظه کشف جرم تا زمان اجرای رأی می پردازد.

۲- حقوق جزا خود به دو دسته عمومی و اختصاصی تقسیم می شود؛ در حقوق جزای عمومی با نگاهی کلی به بررسی اصول و قواعد حاکم بر جرایم، مجازاتها و مسؤولیت کیفری پرداخته می شود، بی آنکه جرم خاصی مد نظر باشد، اما در حقوق جزای اختصاصی هریک از جرایم به طور موردی و جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد. برای مثال در حقوق جزای عمومی، با عناصر متشکله کلیه جرایم آشنا شده و درمی یابیم که تحقق هر جرم مستلزم جمع سه عنصر قانونی، مادی و معنوی است، اما بررسی هریک از این عناصر نسبت به جرمی خاص مربوط به حقوق جزای اختصاصی است. برای مثال در جرم قتل، مرتکب با رفتار خود به حیات دیگری پایان می دهد، اما عنصر معنوی در قتل عمدی و اینکه چه عاملی موجب تمایز آن با قتل غیر عمدی می شود، مربوط به حقوق جزای اختصاصی است، همچنانکه تشخیص اینکه بردن یا تحصیل مال دیگری با کدام یک از عناوین مجرمانه سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و... سازگار است، مربوط به همین بخش از حقوق جزا می باشد.

**ماده ۲- هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود.**

۱- منظور از مجازات در ماده فوق، مجازات کیفری است، نه مجازات انتظامی؛ رفتاری که صرفاً برای آن مجازات انتظامی در نظر گرفته شده باشد، تخلف محسوب می شود نه جرم. این تفکیک علاوه بر آثار ماهوی از نظر شکلی و تعیین مرجع صالح نیز دارای اهمیت است. برای مثال به جرم قاچاق کالا و ارز در دادگاه انقلاب و به تخلف قاچاق کالا و ارز در سازمان تعزیرات حکومتی رسیدگی می شود.<sup>۱</sup>

۱- با توجه به م ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در ۱۳۹۲ مواردی که قاچاق کالا و ارز مستوجب انفصال یا حبس بوده یا به طور سازمان یافته و حرفه ای ارتکاب یافته باشد، همچنین قاچاق کالاهای ممنوعه نظیر مشروبات الکلی، تجهیزات دریافت از ماهواره و... جرم محسوب شده و رسیدگی به آن در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی است.

۲- با وجود آنکه اقدامات تأمینی و تربیتی نیز همچون مجازات تنها پس از ارتکاب جرم - نه به صرف داشتن حالت خطرناک- قابل اعمال است اما در ماده فوق تنها رفتار مستوجب مجازات (و نه اقدامات تأمینی و تربیتی) جرم دانسته شده است، البته در مورد جرایم روحانیون در م ۱۸ آیین دادرها و دادگاه های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹ به درستی در کنار مجازات به اقدامات تأمینی و تربیتی هم اشاره شده است، مطابق این ماده: «هر فعلی یا ترک فعلی که مطابق قوانین موضوعه یا احکام شرعیه قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، جرم محسوب می گردد.»<sup>۱</sup>

۳- کلیه جرایم دارای سه جزء هستند: ۱- عنصر قانونی<sup>۲</sup>، ۲- عنصر مادی و ۳- عنصر معنوی<sup>۳</sup>، ماده فوق متضمن عنصر قانونی و مادی جرم است. (برای دیدن عنصر معنوی نک به توضیحات ذیل مواد ۱۴۴ و ۱۴۵ ق.م.ق)

۴- عنصر قانونی: اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها به عنوان یکی از ثمرات درخشان مجاهدات و قلمفرسایی های فلاسفه و اندیشمندان حقوق کیفری، امری است که مورد پذیرش تمام کشورها - از جمله ایران- قرار گرفته که بر مبنای آن، بسیاری از رفتارها که از نگاه عرف و یا حتی شرع، مذموم یا ممنوع انگاشته می شود تا زمانی که جلوه قانونی نیافته است، جرم قلمداد نمی شود. گفتنی است منظور از قانون، صرفاً معنای خاص آن یعنی مصوبات صحن علنی مجلس شورای اسلامی نبوده و مصوبات کمیسیون های داخلی مجلس، مجمع تشخیص مصلحت نظام<sup>۴</sup>، مجلس شورای ملی، لویج قانونی شورای انقلاب اسلامی، آرای وحدت رویه و معاهدات بین المللی که به امضای دولت ایران رسیده است، نیز تحت شمول این مفهوم قرار می گیرد. نکته دیگر آنکه که قلمرو این اصل، تنها محدود به جرایم نشده و شامل تمام مراحل دادرسی، تعیین مجازات و اجرای آن نیز می شود. بنابراین اگر قاضی در تعیین مجازات جرمی از حدود مقرر در قانون فراتر رفته و مرتکب را به مجازات بیش از میزان تعیین شده در آن محکوم نماید، در این زمینه ضامن است. (نک به توضیحات مواد ۱۳ و ۱۴ ق.م.ق)

ناگفته نماند، سابقاً در م ۲ قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ در تعریف جرم، علاوه مجازات به اقدامات تأمینی و تربیتی نیز اشاره شده بود.  
۲- البته از نظر برخی، عنصر قانونی جزء عناصر متشکله ی جرم به شمار نمی رود، چرا که تحقق جرم مستلزم بروز عینی آن از سوی مرتکب است، در حالی بر خلاف عنصر مادی و معنوی، مرتکب نقشی در پیدایش عنصر قانونی نداشته و مقنن از پیش آن را پیش بینی نموده است. (محسنی، ج ۲، ص ۱۰۳)

۳- جرایم مادی صرف مانند جرم صدور چک پرداخت نشدنی نیز، دارای هر سه جزء هستند ولیکن عنصر معنوی این جرایم، مفروض انگاشته می شود و بر خلاف سایر جرایم (عمدی و غیرعمدی) نیازی به اثبات آن نیست. Strict Liability Offence

۴- این اصل برای نخستین بار در ماده ۸ اعلامیه حقوق انسان و شهروند ۱۷۸۹ (Declaration des droits de l'Homme et du Citoyen) سزار بکاربا و چندی دیگر از اندیشمندان سده ی هجدهم میلادی و در مبارزه با خودکامگی کلیسای قرون وسطی مورد پیش بینی قرار گرفت.

۵- اصولاً مصوبات مجمع تشخیص اصولاً با مصوبات مجلس بی اثر نمی شوند با این وجود طبق نظریه تفسیری شورای نگهبان به شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ «...در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت، مربوط اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بوده، مجلس پس از گذشت زمان معتد به (طولانی) که تغییر مصلحت موجه باشد حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعمال از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم له، موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می باشد.» همچنین با تصویب خود مجمع تشخیص نیز امکان تغییر مصوبات آن از سوی مجلس شورای اسلامی وجود دارد. چنانکه در ماده ۴۶ قانون مبارزه با مواد مخدر به صراحت آمده است: «اصلاح این قانون توسط مجلس شورای اسلامی بلامان است» بر اساس همین اختیار، مجلس در سال ۱۳۹۶ با تصویب قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر، مجازات اعدام و حبس ابد را از تعدادی از این برداشت.

۴/۱ آثار اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها: قاعده «عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری» و «تفسیر مضیق قوانین کیفری» از آثار و نتایج اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها به شمار می‌روند؛ منظور از عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی، تأثیر قانون نسبت به آینده است و افراد را نمی‌توان در قبال رفتار گذشته خود و به موجب قوانین بعدی، مجرم قلمداد نمود. منظور از تفسیر مضیق هم آنست که در صورت ضرورت تفسیر قانون، قاضی باید در راستای نفع متهم گام بردارد و نباید با تفسیر موسع خود یا توسل به قیاس، رفتاری را که به طور صریح، جرم انگاری نشده است، واجد وصف جزایی بداند. برای مثال مطابق م ۵۰ قانون تعزیرات: «هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد...» [به حبس یا جزای نقدی محکوم می‌شود]. با توجه به ضرورت تفسیر مضیق قوانین کیفری، جرم بودن شهادت دروغ را باید منحصر به دادگاه نزد مقامات رسمی، دانست و بنابراین شهادت دروغ در دادسرا یا نزد مقامات غیر رسمی نظیر مدیر دفتر یا منشی دادگاه، جرم محسوب نمی‌شود. ناگفته نماند، سخن از تفسیر قانون، زمانی به میان می‌آید که قانون دچار ابهام و اجمال بوده و مجلس قانون گذاری نیز در صدد رفع آن برنیامده باشد، وگرنه مجالی برای تفسیر قانون (اعم از مضیق یا موسع) نمی‌ماند. نکته دیگر آنکه هر چند در تفسیر قوانین جزایی، اصل بر محدود و مضیق بودن آن است، اما در مواردی که نفع متهم در گرو تفسیر موسع یا قیاس باشد، قاضی باید با تلاش خود و تفسیر موسع یا به قیاس، نفع متهم را تأمین نماید.<sup>۳۲</sup>

تفسیر شک به نفع متهم و قاعده دره از مهم ترین نتایج قاعده تفسیر مضیق قوانین کیفری، به شمار می‌روند که در م ۱۲۰ ق.ا. نیز به آن اشاره شده است.

۴/۲ استثنائات اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها: همان گونه که بیان شد، با توجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، رفتارهای خلاف شرع تا زمانی که جلوه قانونی نیافته اند، جرم محسوب نمی‌شوند. با این وجود، در بعضی موارد استثنائی، قانون گذار رفتارهای خلاف شرع را هم به رغم عدم تصریح قانونی، جرم و قابل مجازات دانسته است. این موارد عبارتند از:

الف) جرایم حدی: مطابق م ۲۲۰ ق.ا. «در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود.» بدین ترتیب در ارتداد، سحر، ادعای نبوت و بدعت در دین، قاضی موظف است با مراجعه به منابع فقهی مرتکب را به حد اعدام محکوم نماید.

۱- با توجه به به اصول هفتاد و سوم و نود و هشتم قانون اساسی تفسیر قوانین عادی بر عهده ی مجلس شورای اسلامی و تفسیر قانون اساسی با شورای نگهبان (سه چهارم اعضای آن) است. این تفسیر که از آن با عنوان «تفسیر قانونی» یاد می‌شود همچون قانون، جنبه ی الزام آور داشته و نمی‌توان برخلاف آن رأی صادر نمود. اما همان طور که در اصل هفتاد و سوم قانون اساسی آمده است تفسیر مجلس مانع از تفسیری که دادرسان در مقام تمیز حق انجام می‌دهند نیست. تفسیر قضات (تفسیر قضایی) بر خلاف تفسیر قانونی فاقد جنبه ی الزام آور بوده و حتی همان قاضی می‌تواند در رسیدگی های بعدی از تفسیر خود عدول نماید.

۲- افزون بر قیاس به نفع متهم، قیاس اولویت نیز در زمره ی قیاس هایی است که مورد پذیرش غالب حقوقدانان قرار گرفته است. طرفداران این نوع از قیاس عقیده دارند، اگر جهات و دلایلی که وجود حکم را در موضوع خاص ایجاد کرده است در موضوع دیگر قوی تر باشد بایستی آن حکم را در مورد دوم نیز جاری ساخت. (کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، ص ۲۱۱) به عنوان نمونه مقنن قدرت نمایی با چاقو را جرم دانسته است، حال اگر فقط معتقد باشیم که بایستی به منطوق قانون عمل کرد در آن صورت نمی‌توان شمشیر کشیدن و قمه کشیدن را جرم دانست ولی بنا بر نظر قائلین به مفهوم قیاس اولویت با توجه به قوی بودن علت حکم در شمشیر و قمه کشی، این اعمال نیز جرم و قابل مجازات می‌باشد.

۳- اردبیلی، ج ۱، ص ۷

ب) تعزیرات منصوص شرعی: همان گونه که قبلاً بیان شد، تعزیرات منصوص شرعی از استثنائات اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها به شمار می‌روند، این دسته از مجازات‌ها، نه در قانون بلکه در شرع مورد تصریح قرار گرفته‌اند و نوع و میزان آنها نیز در شرع مقدس تعیین شده است.

پ) جرایم روحانیون: با توجه به ۱۸۸ "آیین نامه دادرها و دادگاه ویژه روحانیت ۱۳۶۹": "هر فعلی یا ترک فعلی که مطابق قوانین موضوعه یا احکام شرعیه قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، جرم محسوب می‌گردد.

تبصره- اعمالی که عرفاً موجب هتک حیثیت روحانیت و انقلاب اسلامی باشد، برای روحانیون جرم تلقی می‌شود." با توجه به تعریف فرق، جرم، منحصر به رفتارهای خلاف قانون نشده و رفتارهای خلاف شرع یا عرف هم داخل در همین تعریف قرار می‌گیرند.

۵- عنصر مادی: عنصر مادی به معنای بروز عینی قصد مجرمانه و تجلی آن در عالم خارج است. با توجه به م.ق.م.ا عنصر مادی جرایم در یکی از دو قالب فعل یا ترک فعل محقق می‌شود. منظور از فعل، انجام رفتاری است که قانون‌گذار از آن نهی کرده است (مانند شرب خمر) و منظور از ترک فعل، امتناع از انجام رفتاری است که قانون‌گذار به انجام آن امر کرده است. (مانند ترک انفاق اشخاص واجب‌النفقه) در واقع فعل، جنبه مثبت دارد و ترک فعل، جنبه منفی.

۵/۱ برخی نویسندگان داشتن حالت خاص (مانند مستی یا اعتیاد)، قرار گرفتن در وضعیت خاص (مانند عضویت در گروه‌های معاند نظام) یا نگهداری اقالام ممنوعه (مانند نگهداری تجهیزات دریافت از ماهواره) را هم از دیگر جلوه‌های بروز عنصر مادی می‌دانند که با توجه به ظاهر ماده فوق، به نظر می‌رسد که این موارد را هم می‌توان به عنوان مصادیقی از "فعل" مورد بررسی قرار داد.

۵/۲ ترک فعل خود به دو دسته طبیعی و مصنوعی تقسیم می‌شود؛ در ترک فعل طبیعی، جرم صرفاً با رفتار منفی یا ترک فعل محقق می‌شود (مانند ترک انفاق یا عدم ثبت نکاح دائم، عدم اعلام بعضی از جرایم) اما در مورد ترک فعل مصنوعی باید یادآور شد که بعضی از جرایم، به رغم آنکه غالباً با فعل تحقق می‌یابند، اما بعضاً از طریق ترک فعل نیز امکان وقوع آنها وجود دارد، مانند قتل عمدی که اغلب با رفتارهای مثبت نظیر هل دادن، شلیک گلوله، زدن چاقو و... ارتکاب می‌یابد، اما گاهی تحقق آن از طریق ترک فعل هم امکان پذیر

۱- نوریها، همان، ص ۱۶۳

۲- میرمحمد صادقی، ج ۱، ص ۴۳

۳- مطابق ۴۹۹ قانون حمایت از خانواده: «چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.»

اعلام بعضی از جرایم الزامی است و در صورتی که افراد علی‌رغم این وظیفه قانونی از اجرای آن امتناع کنند، مجرم قلمداد شده و به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهند شد. برای مثال مطابق م.ق.م.ا قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ۱۳۹۴: "کلیه اشخاص مطلع از جرائم موضوع این قانون موظفند مراتب را در اسرع وقت به مقامات اداری، انتظامی، امنیتی یا قضائی ذیصلاح اعلام کنند، در غیر این صورت به مجازات تعزیری درجه هفت محکوم می‌شوند." یا مطابق تبصره ۳۵م قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: "مأمورانی که با علم به ارتکاب قاچاق از تعقیب مرتکبان خودداری یا برخلاف قوانین و مقررات عمل نمایند در حکم مختلس محسوب و به مجازات مقرر برای مختلسین اموال دولتی محکوم می‌گردند مگر آنکه عمل مرتکب به موجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری باشد که در این صورت به مجازات شدیدتر محکوم می‌شوند." همچنین مطابق م.ق.م.ا.د.ک: "فرماندهان و مسؤولان نظامی و انتظامی مکلفند به محض اطلاع از وقوع جرم در حوزه مسؤولیت خود، مراتب را به مرجع قضائی صالح گزارش کنند. متخلف از مقررات این ماده به مجازات جرم کتمان حقیقت مقرر در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح محکوم می‌شود." ۴